

مطمئن نیستم از خط پایان عبور کنم

صفرزاده: دوره‌ی بعد همین یک سهمیه را هم نداریم

دوچرخه‌سواری ایران در یکی از بدترین دوران خود در المپیک‌ها قرار دارد و فقط با یک نماینده راهی توکیو می‌شود. در دوره‌های قبلی، سه سهمیه، دو سهمیه و حتی هفت سهمیه وجود داشت اما دوره‌ای نبود که یک سهمیه به ایران برسد. فقط در یک دوره هیچ سهمیه‌ای به ایران نرسید. حالا در این دوره، سعید صفرزاده، تنها رکابزن ایران است که در بازی‌های المپیک حضور دارد و برخلاف دوره‌های قبل که به‌طور معمول سه نماینده از این رشته به المپیک می‌رفتند، این بار یک نفر باید بار این ورزش را به دوش بکشد. در دوره‌های قبل که سه نماینده از دوچرخه سواری حضور داشت و این دوره که فقط یک نفر حضور دارد، مهمترین دغدغه این بود که آیا نماینده‌ی ایران می‌تواند از خط پایان عبور کند یا نه؟ سوالی که حالا ذهن سعید صفرزاده را هم به هم ریخته اما با این حال می‌گوید رویای او رسیدن به جمع شصت نفر است: «هدفم این نبود که به خط پایان برسم. رویای من رسیدن به جمع شصت نفر است که امیدوارم عملی شود.» تحقق رویای سعید بعید است عملی شود اما باید امیدوار بود که رویای علاقه‌مندان به دوچرخه سواری محقق شود و او از خط پایان عبور کند.

در حین مسابقات، دوچرخه جدید خریدم. در دو مسابقه‌ی اول با دوچرخه‌ی قدیم و در دو رقابت آخر با دوچرخه‌ی جدید رکاب زدم. البته اینکه شب مسابقه دوچرخه را عوض کنید، کار اشتباهی بود که انجام دادم ولی به دلیل اینکه هدفم حضور در المپیک بود، دوچرخه را عوض کردم تا با وضعیت این دوچرخه‌ی جدید آشنا شوم.

تفاوت زیادی با دوچرخه‌ی قدیمی داشت؟

بله، زیاد. روز اول که با دوچرخه‌ی جدید مسابقه دادم، عضله‌های پا به شدت درگیر شده بودند و حسابی اذیت کردند که برای همین عملکرد ضعیفی داشتم، اما روز آخر کمی به این دوچرخه عادت کردم. اگر هفت یا هشت روز زودتر این دوچرخه را خریده بودم، به‌حتم در مسابقات ترکیه روی سکو بودم.

تا این اندازه تفاوت جالب است!

ببینید این دوچرخه که خریدم دوچرخه‌ی قابل قبولی است، اما باز هم در مقابل دوچرخه‌ای که رقیب‌های من در المپیک از آن استفاده می‌کنند، درواقع حرفی برای گفتن ندارد.

چقدر برای این خرید دوچرخه هزینه کردید؟

۱۶۰ میلیون تومان هزینه‌ی این دوچرخه شد اما قیمت یک دوچرخه‌ی حرفه‌ای و درجه یک، نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان است.

حالا با این دوچرخه‌ی جدید باید امیدوار بود به این که به خط پایان برسید؟

این موضوع خیلی باعث نگرانی من شده است. اینقدر در این مدت درباره‌ی خط پایان حرف زدم که استرس گرفتم. چرا استرس؟ یعنی نمی‌توانید از خط پایان عبور کنید؟

نه، زیاد مطمئن نیستم. اینقدر در این مدت به من القا کردند که باید از خط پایان عبور کنی و یا اینکه نمی‌توانی عبور کنی، که به هم ریختم.

ولی باید عبور از خط پایان هدف اصلی باشد؟

هیچگاه هدفم عبور از خط پایان



اما الان باید تنها رکاب بزنم و این استرس زیادی به همراه دارد.

رفتن به المپیک تا این اندازه ترسناک است؟

خب اولین بار است که حضور در المپیک را تجربه می‌کنم و طبیعی است.

ده روز قبل از المپیک، در مسابقات ترکیه حضور داشتید که آخرین تورنمنت بود و حالا باید به فرم ایده‌آل رسیده باشید؟

چهار مسابقه دادم که فقط روز آخر خوب بودم، ولی هدفم نتیجه گرفتن نبود. به مسابقات رفتم که فقط حضور داشته باشم و به لحاظ روانی برای المپیک آماده شوم.

ولی در مسابقات ترکیه با دوچرخه جدید هم مسابقه دادید.

تنها نماینده‌ی دوچرخه سواری ایران در المپیک بودن، افتخار بزرگی است

افتخار بزرگی است، اما باید به این نکته هم توجه کرد که بار زیادی روی دوشم قرار دارد و باید اعتراف کنم متاسفم که تنها باید به المپیک بروم و به نظرم این به لحاظ روانی خیلی به ضررم شد.

خیلی‌ها دوست داشتند در المپیک باشند، اما نشد

کاش می‌شد. من دوست داشتم چند تا از رکابزنان هم کنارم بودن و روحیه می‌دادند. به نظر من این که چند نفر از یک رشته در المپیک باشند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند. به‌خصوص اگر یک نفر از این جمع لیدر شود، راحت می‌تواند کمک‌حال بقیه باشد. هم به لحاظ روانی و هم حتی به لحاظ تغذیه،

نبود. درواقع تمام کردن مسابقه، هیچ‌وقت هدفم نبود و همیشه به شرایط بهتر از این فکر کردم. رویای من رسیدن به جمع شصت نفر است و می‌خواهم این موفقیت بزرگ را به چشم بینم.

رسیدن به جمع ۶۰ نفر در بین ۱۳۰ شرکت‌کننده، موفقیت بزرگی به حساب می‌آید؟

خب با توجه به پتانسیل دوچرخه سواری ایران، کار بزرگی است. رسیدن به جمع بیست یا سی نفر اول نیاز به معجزه دارد، اما در بین شصت نفر بودن، قابل دسترس است.

این به نظر من نشان‌دهنده‌ی ضعف دوچرخه سواری ایران است.

قبول دارم ولی خب همیشه همین بودیم.

نه، همیشه همین نبودیم. در دوره‌های گذشته سه نفر به المپیک می‌رسیدند اما در این دوره شرایط متفاوت بود.

تنها به المپیک رفتیم، برای من گران تمام شد. بار سنگینی روی دوشم افتاده و حالا همه‌ی مشکلات دوچرخه سواری را باید به‌تنهایی برطرف کنم، که این موضوع اذیت‌کننده است. هر نتیجه‌ای که بگیرم، سبیل انتقادات می‌شوم و باید درباره‌ی همه‌چیز توضیح بدهم. درحالی‌که مشکلات موجود فقط به رقابت من ربطی ندارد.

چرا تا این اندازه دوچرخه سواری ضعیف شده است؟

وضعیت مملکت، نقش مستقیم در گرفتاری‌های این ورزش دارد. شرایط بد اقتصادی جامعه باعث شد تا دوچرخه سواری هم به این حال بد گرفتار باشد. وقتی اوضاع کشور خوب نیست، چرا باید اوضاع دوچرخه خوب باشد؟ در دوره‌های گذشته چه کسانی سهمیه می‌گرفتند؟ چطور سهمیه می‌گرفتند؟ شهرداری، پیشگامان، پتروشیمی و دانشگاه آزاد به مسابقات می‌رفتند و امتیاز کسب می‌کردند و سهمیه‌ها به دست می‌آمد.

و حالا این تیم‌ها نیستند؟

هستند، ولی به دلیل مشکلات مالی توان رفتن به مسابقات را ندارند.

با این وصف، اوضاع بدتر هم می‌شود؟

به‌حتم بدتر می‌شود. به نظر من برای دوره‌ی بعد، در انتظار کسب سهمیه نمانید. بعید است که این اتفاق رخ بدهد.

خب برای خروج از این وضعیت چه باید کرد؟

چه کاری می‌توان کرد؟ بخشنامه و دستور صادر شده که دیگر برای ورزش قهرمانی هزینه نشود. ورزش قهرمانی از اهمیت افتاده و این شد که ورزشی مثل دوچرخه سواری هم از کورس رقابت خارج شد. در دوره‌های گذشته تیم‌ها به مسابقات می‌رفتند، امتیاز کسب می‌کردند و سهمیه‌ها به دوچرخه سواری می‌رسید، اما الان مدت زیادی است که این تیم‌ها از حضور در مسابقات کنار رفتند و طبیعی است که یک سهمیه هم به زور به ایران برسد.